

# سقوط انسانیت

## و خلاء ایمان

« علم » تنها ما را بر طبیعت پیروز و مسلط میگرداند  
ولی تنها « ایمان » است که ما را بر خویشتن تسلط میبخشد!

پیشرفت زندگی مائینی ولو از آن: ایمان بخدا  
دینی، دینی، دینی، تقوی، شرافت و پاکدامنی در حال  
کاهش است.

انسانهای کنونی، جرعه‌ای، همانند حیوانات  
گرسنه و تشنه، کاری جز آسای شهوات و تنوع -  
پرستی ندارند؛ و برای رسیدن بخواسته‌های ناروای  
خود، همه فصال انسانی را زیر پا گذاشته‌اند.

این فساد و تباهی آنچنان توسعه یافته است  
که پایه‌های زندگی در بسیاری از کشورهای غربی،  
در حال انهدام است.

### طبق گزارش مجله لایف : کارشناسان

برجسته آمریکائی گزارش تهیه، و اعلام خطر  
کردند که بنیاد خانواده در آمریکا در حال ازهم-  
پاشیدن است و فجایع دیگر که قلم از شرح آن  
شرم دارد (۱)

برای این گروه اصالت خانواده‌گی و بجاییت و  
تروی مفهومی ندارد، این گزارشها سند دهنده‌ای  
برای سقوط انسانیت است. گردانندگان کابوهای  
فساد و روزنامه نویسان حرفهای، برای اینکه تروی  
اعمال ننگین خود سرپوشی بگذارند: اسم آن را

امروز در زندگی انسان ها همه چیز دیده می شود:  
جزیک واقیعت که در حال غروب کردن است. هر-  
کس از بهداشت خوب، غذای کافی، وسایل تفریح و  
آسایش در حد خود بر خوردار است، ولی به موازات

گر سنگی نهفته است، باین ترتیب که گرسنگی  
باعث خفق و بیماری و از کار افتادگی خیل مجروحان  
می شود، و در نتیجه از قدرت کار آنان، بیکاهد و  
آنها، نمی توانند آغوش که باید فعالیت کنند، بزم  
کارشان ناچیز و با گذشت زمان ناچیز تر می شود تا  
بسر می رسد و بالاخره به گرسنگی مجدد منتهی میشود  
و به « دور » سرسام آوری می انجامد.

در اینجا وظیفه انبیا و مؤسسات پرورش حجاب است  
که این دور باطل را از بین ببرند.  
شبهه های بهره کشی تصاعدی نرخهای تروی و  
زولی را کنار گذارند، و با کمکهای رایگان یا  
وامهای بدون سود، زندگی آنان را سامان دهند،  
و ملی به کالبد حیانتشان بدمند و قدرت کارشان را  
بالا ببرند، در نتیجه گرسنگان بتوانند با نیروی  
کار بیشتر و فعالیتهای حسنگی ناپذیر، خود را از جنگ  
فقر برهانند.

(۱) مجله پنداران و مآذران

انسان امروزی تا آنجا که قدرت دارد در رفاه زندگی تلاش میکند، سپس بدنیال ارضاهم خواسته. های حیوانی خود میبرد، و چون میداند که دنبال نمیکند خداپرستی و ایمان است.

**دکتر کارل** در مورد دیگری میگوید: حقیقتاً چنین بنظر میرسد که احساس دینی جنبشی است که از احساس فطرتاً سرچشمه گرفته، و بکسوف و اسیل است. (۳)

**«ویلیام جیمس»** بدرواقعاً مناسی جدید در نامه ای بدوستش بر و فوسر، داوید سونه نوشته بود که هر چه بیشتر از امر او میگذرد، کمتر خود را قادر بر زندگی کردن بدون خدا می بیند! (۴)

**«دکتر هارتن لوئر کیمسک»** برنده جایزه نوبل در کتاب «ندای سیاه» این چنین می گوید: هر یک از ما که بخواهیم با خداوند باطنی داشته باشیم، باید درازای سعید باشد، قول و برین و ارتقا.

**شولز نلدگی** طرز فکر بدون فرد پیرامون اعمال و رفتار های زندگی است. یعنی عقیده خود انسان، درباره رفاه و موفقیت های جوشی است. عرض نلدگی: مجموعه فعالیت هائی است که انسانیت بر اثری رفاه و سعادت دیگران باید انجام دهد. سعادت هر فردی بسعادت جامعه بستگی دارد پس فردا تا جایی که بتواند باید برای جامعه متناً خیر باشد.

**ارتقا زنده گی** ایمان بخداست، به چیزی که براساس از بشریت طبعی تر است، انسان باید بگوید تا خود را بخداوند نزدیکتر سازد.

**«بهران»** گذاشته: میگوید: این بحران اجتناب ناپذیر است، همه جا را فرا میگیرد، و همه باید محکوم آن باشند، این عهد بوسيله این کلمات می خواهند تنگ و رسوائی را از خود دور سازند.

\* \* \*

**«بوسوئه»** میگوید: علم ما را تنها بر- طبیعت مسلط و پیروز میگرداند و فقط ایمان است که ما را بر خویشتن تسلط میدهد؛ این خلاء ایمان است که آدمیان را این چنین بی بندوبار کرده است بطوریکه مانند درندگان در کوه و بازار نهال طعمه جنسی خود میگردند، و هر چه در این کار بیشتر موفق می شوند، بر آرونیاز آنان افزوده میشود.

**«پلو تارلث»** مورخ مشهور می گوید: «اگر شما بصفحه گیش نظری بیندازید، در بسیاری از آدابها، نشانه های ارساست و علم و صنعت خود را بد بافت، اما جایی که خدا در آنجا نباشد، بی بافت پیدا کرد.» (۱)

اما ملاحظه زندگی ماشینی و توجه بیش از حد به تمایلات ناروا انسانها را دور و کر ساختن است.

**«الکسیس کارل»** می گوید: در خط مکتوبها جناب عقل را در که، بالاتر از عشق است، در عرق علم میدرخشد. در صورتیکه مذهب بخاموشی میگرداید؛ ما همه چنان در توسعه و تقویت قدرت مغزی خود می کوشیم، اما کوششهای منسوی روح مانند احساس اخلاقی، احساس جمال و خصوص احساس خدا شناسی، بازا پستاده است. (۲)

۱۰ کتاب تاریخ علم شبلی نعمان ص ۲۱۵ (۲) و (۳) کتاب نیایش دکتر الکسیس کارل ص ۳۹ و ۵۷  
۴ کتاب چگونه تسویق و نگرانی را از خود دور کنیم ترجمه حسام الدین ص ۲۲۴